خارج از پرونده

و لحظهها و اندیشهها و احساساتی که آنها از سر می گذرانند، نویسندهای است که آثارش

سر می ندراسته نویستهای است نه انارس راحت خوانده نمی شوند و مخاطب را وادار به در گیری جدی بـا خود می کنـند. بهطوری که باید هم و غمش را بر سـر خوانــش اثر بگذارد و

نه این که لابهلای خواندن به کار دیگری هر چند

آثار وولیف حتیی «اور لاندو» که رمانی است ر رز خوشـخوان و سـرگرم کننده-البته بــه تعبیر ویســندهاش- صدق می کنــد. در این صورت تصویری که خواننده از او میسازد، زنی است مدیر، خشک ُ فتار و جُدی که چُون و چرا ناپذیر است. ولی با نگاهی بــه «نامههایش» و

پیر دغدغههای کودکانه و معصومانهای که نهایتا سعی دارد آنها را در هالهای از بی تفاوتی و

ییخیالی لاپوشــانٰی کُند، این تصُور کاملًا رنگُ میبــازدو میبینیم که «ویرجینیــاوولف» هم

همچون هر نویسنده دیگری (حتی می توان

تــازهکار) ذهنــش

مدام درگیسر دغدغههایی است

که بعد از نوشــتن و

انتشار هر اثري با آن روبه رو می شود.

برای او مهم است نظر «کلایــو بل» -

شوهر ونساً خواهر وولف و منتقد ادبی

معروف- درباره رمان

ــوی فأنـ

نکته سنجي ها ي

خود درباره دوستان

ر آشـنایان و برخی شخصیتهای نامدار

زمان خود می پردازد. او اما دلیلـش را هم

ذکے کے دہ است

«بەسسوى فانسوس دريايسى» چگونسە

حتی به سکوتهانیز توجه دارد. وقتی خاموشی

دلگیر می شود. با این وجود دایم به خود دلداری

ــر کی ر ۰۰ ـــار ۰۰ ـــــار ۰۰ بیدهد. پس می توان از لابــه لای این نامهها به نصویری نســـبتا کامل و حقیقـــی از «ویرجینیا

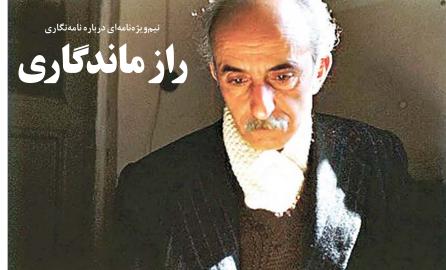
رورف وولف»رسیدالبته با یک روانشناسی اقناع کننده ولی نه چنـدان قابل اعتماد، زیـرا همان طور که

ری پ شوهرش در دیباچه کتاب آورده، بهدلیل برخی

دیگران را در مقابل یکی از کتابهایش می ب

ه و سهل بپردازد. این ویژگی درمور د اغلب

## 🔥 المرود ا شنبه ۲۴ آبان ۱۳۹۳ | سال دوم | شماره ۴۲۷



همزمان با ۲۱ آبان سـالروز تولد نيما يوشــيچ بر آنشــديم تا ويژهنامهای درباره او ارايه دهييم. به همين روی در پــی نتيجه گيری و چندد و چــون درباره آثار نيما به آنجا رســيديم که به بهانه ايــن زادروز درباره

نامه نگاری های او مطالبی را رحمع آوری و تدرین کنیم. از این منظر صفحه پیش رو تلاشی است برای نیل به لایههای پنهان دارنده ابعادی از نویسسندگی نیما پوشسیج که در آغاز آن یادداشستی را درباره تحلیل



جامعهشناسان و فلاسفه هنگام معرفی روانشناسان، جامعه شناسان و فلاسفه هندام معرفی ــــان به یک نکته اشاره می کنند، «انســـان موجودی است اجتماعی» در این تُعریف، اجتماعی بودن با زندگی جمعی داشتن متفاوت است. در واقع تأکید این دسته از دانشمندان در اجتماعی بودن، وجود ارتباط بین اعضای یک مجموعه است، ارتباطی که پیام و هدف خاصی را به همراه دارد. درواقع نیاز زندگی اجتماعی برقراری ارتباط ست انسان برای ارضای این نیاز، در دورههای مختلف سیوههای متفاوتی را بر گزیده است. در جوامع کوچکتر که امکان برقراری ارتباط به شکل مستقیم وجود داشته، د امتادی بروداری ارتباط به سطی مستفیوم وجود دانست. همواره زبان گفتاری ویدنی روشی برای برقراری ارتباط بوده است. اما با گسترش خوامی واهمیت یافتن مفهومی به نام فاصله، ایزارهای ارتباطی دیگری بهوجود آمد. این روش ها توانایی انتقال پیام را از نقاط

مغرافیایی متفاوت داشتند در ابتدایی ترین صُدا در دامُنهُ کوهها، نقاشی کُردُن بر دیواره غارها و.. نام برد. اما پــس از بهوجود آمدن خطُ، روش ارتباطی جدیدی در بین دیگر روشها نمایان شد و آن هم نوشتن نامه بود. متخصصان علومار تباطات در تعریف

. نامه می گویند: «نامهُ وسیله از تباطی سنّتی نوشــتاری برای از تباط میان دو شخص یا گروه است که معمولا برقــراری این ار تباط بین کســانی اسـَـت که در مکان های جغرافیایی مختلف هستند. نامیه در دوران تکامل خود هماز نظیر کار کر دو هماز

نظر مخاطب تغییراتی را داشته است. مخاطب نامه، هم ر می تواند فرد مشخصی باشد و هم می تواند گروه خاصی را دربُر بگیــُرد. بهطور کلی دسُـــتهبندی های مُتفاوتی از نامه ارایه میشــود. نامههای اداری که کار کرد آن ارسال پیام به شکل , سمی است، نامههای علمی که مجادلهها و حجتهای علمی به خصوص فلسفی را در خود جای داده، نامههای عاشقانه که شامل بیان هجر و فراق عاشق

ــوده یاشــور و شــوق دیدار بسوده به سور وهسوی دیدر معشسوق را بیسان می کند و نامههای سیاسسی که فریاد تهران، خیابان آشیخمادی کمکخواهــی مظلومــی در برابــر حاکم جبـــار زمانه لعم مهمراه داشته است. این ستهبندیها نشــاندهند

اهمیت این اسزار در جوامع انسانی است. امانکتـه قابل تامل در مور د

راه در مقایسه با دیگر وسایل ار تباطی، ماندگاری آن در عصر حاضر است. گذشته تاریخی نشان می دهد که تمام ابزارهای ارتباطی از بدوی ترین و ساده ترین تا پیچیده ترین آنها در برابر تکنولوژی های جدید که امکان

ار تباط آسان تر را فراهم می کنند سر تسلیم فرود آور ده و به تاریخ پیوستهاند و جز خاطره ای از آنها به جانمانده است اما ین موضوع درمور دنامه صدق نمی کند.سوال اینجامطرح می شـود که چرا با وجود تلگراف و تلفن، اینترنت و و ب -جهانی همچنان نامه به عنوان یک وسیله ار تباطی مورد استفادهقرارمی گیرد؟راز ماندگاری این ابزار چیست؟ برای پاسخ دادن به این سوال نیاز مندبر رسے

ی رہے ۔ ویژگی های نامه هستیم. چندویژگی مشترک در تمام دستەبندىھاى نامە (بە جز نامههای اداری) وجود دارد که میتوان ذکر کرد. ۱ - مفهوم ناصلـــه: در تَمــــام نامهها این نکتــه نمایان اســت که بین ، ســنده نامــه و مخاطب

ر. ن فاصلــه وجــودُ دارد، این فاصله مى تواند جغرافيايى باشــد یعنی از دو اقلیم متفاوت، می تواند زمانی باشــد مانند نامههایی که برای نسل های بعدی نوشته می شود و می تواند فاصله روانی باشد که نویسنده نامه، خود را دور از مخاطب نامه می داند، هرچند که فاصله زمانی و مکانی

این نامه برای مدت طولاتی در اختیار مخاطب خود قرار دارد، نامه می نویسد و این ویژگی تضمین کننده حضور غیر فیزیکی نویسنده در کنار مخاطب نامه است.۳-بیان هیجانات: از ویژگی دیگر نامهها بروز هیجانات است، این هیجانات درُقالُب غم معشـوق اُز دُوری دلبر خویش یا اشتیاق عاشق برای رسیدن به معشوق یا فریاد دادخواهی مظلوماز ظالموحتى بيان پيام محبت از جانب حاكم براى

نامه، ثبات و ماندگاری است. نویسنده نامه با علم به این که

درواقع روانشــناختي ترين ويژگي نامه همان کار کرد هیجانی اش است. به واقع این ویژگی است که نامه را از دیگر ابزارهای ارتباطی متمایز می کند. هنگام نوشتن نامه در اغلب مواقع نویسنده از طریق واژگان، هیجانات (منفی ر مرب المرب معرفی می کننسد فرآیندی که به کمسک آن، هیجانی

کاذب از وجوه روانی فرد کاسته می شود و به صفحه کاغذانتقال پیدامی کند. شــاید به صفحه ناعدالنقال پیدامی تندسید راز مانندگاری نامه را نیز بتنوان در این ویژگی دنبال کرد. ویژگی روانشناختی ای که در دیگر ابزارهای ارتباطی موجود نیست. نویسنده نامه علاوه بر اینکه پیامی را به مخاطَب میدهد بــاً تخُلیه هیجانی به آرامشِ و انبســاط خاطری دســت پیدا مى كند، أرامشى كه تنهادر لغزش قلم روى

صفحه صاف کاغذبه وجود می آید، آرامشی ماندگار و مکتوب در واقع باید علت ماندگاری نامه را برابر گسترش وسـایل ارتباط جمعی که آسـان تر، سریع تر و سهل الوصول تر هسـتند این ویژگی منحصربه فرد آن

بفروشم زيرانه من زارع هستم ونه مى توانم دسترنج

نامههای عاشقانه نیمانیز حال و هوای زیبایی دارد.

ام او حرب باهمه استعداد، دیمی

بار آمده است. هوا ه

هوسهای زن شرقی

او را چنان تربیت کردهاست کهاز بعضی

ترقیهای واقعی آن قبیال زنها، که

قدری دور کرده است.

حساسات شـاعرانه در آنها موج می زند. در نامهای

زارع رابخورم.»

افکنی،ش

ویرجینیاوولف ویرجینیا وولف سهبار در زندگی دست به خودکشی زد. یکبار در ۲۲ سالگی، دومین بار ر یک سال بعد از ازدواجش با لئونسارد وولف در ۳۱ سالگی و آخرین بار در سال ۱۹۴۱ وقتی در ا اساندی و اخریزیار درست ۱۱۱ وقعی در او ادبیات خاصش اوج قله شهرت به سر می برد و ادبیات خاصش مهم مرزهای ارو با را در نوردیده بود. او توانست در سومین اقدام به خود کشی، وقتی ۱۱۵ سال داشت، با انداختن خود به رودخانسه «اوز» به زندگی اش خاتمه دهد. هرچند به نظر می رسد الاولف» مرگ را هم به سان زندگی زیسته است. روحه طرحرانهای سوولف» که نیمقرن با این همه دفتر نامههای «وولف» که نیمقرن پس از مرگ غمانگیزش در انگلستان چاپ شده ماصل ۲۶ جلد دفتری است که وولف از سال ۱۹۱۸ تا آخرین روزهای پیش از حیاتش ـــــ نامههای مهــم روزانهاش را به همســر و برخی تان نزدیکش تان نزدیکش

ای مرگ!میخواهم خود را به سویت کنم، شکست ناپذیر و به زانو در نیامده

يادداشتى پيرامون كتابنامههاى ويرجينيا وولف ادبيات محكوم به فناست

در آنها بادداشت كرُده أست. اين دفتر شل هنز دفترنامه دیگری شاید در اُبتدا برای وولف یک نوع ۔ یتر بهخ السّت و آیا برایش آنقدر ارزش دارد که دربارهاش کلامی بگوید.او

سرگرمی بهشیمار ىآمُـده و بيـش از هـر چيــز جنبــه تفنن داشــته است، ولی کمکے صورتی گرفتـه وُ تبديـل بُه موز شــگاهی اب اديات خلاقه 

سبک نویسندگیاش به آن دستیافت) تبدیل ۔ ود. با وجود این به نظر نمیرســد وولف هیسچگاه در طسول زندگیاش قصد بساز کُردن کلاس جهتُ آموِزُشُ مقولهای داشته که تَا پایان عمر سعى در آمُوختن وكشف راهكارهاي تازه

جهت بیان صحیح اَن داشته است. شـاید این عبـارت از «مارگریـت دوراس» بهخوبی مصداقی از تلاش «وولیف» جهت اعتمالی کار نویسمندگی اش باشید. آن جا که می گویند: «توشیتن در تمام عمر، یادگیری نوشیتن است» آن طور که «لئونیارد وولف»

ضرورتها مجبور شده بخش زیادی از این نامهها را از دسترس ناشر دور نگه دارد. بیشتر آن بخشهایی که «وولف» به شرح نظریات و همســر ویرجینیــا در پیشــگفتار کتاب .. ه، ایسن کُتساب رر یس ساب چکیدهای از ۲۶ دفتری است که وولف در آن نامههای خُود بــهُ دیگــران را مکتوب کرده اســت.

و آن این که فکر کرده چاپ برخی در واقع «لئونـــار د» ∧ نامه و طرحی از ویر جینیا و ولف به مار گاریت دور اس تماُم هم و غمش را بر ^ نامهو طرحی از ویرجینیا چاپ آن نامههایی گذاشـــته که بهطور مستقیم

مهمارگاریت دوراس از ایسن نظریات برای اشخاصی که نامشان در آنها ذکر شده و در زمان نشر کتاب هنوز در قید حیات بودهاند ایجاد ناراحتی و سوءتفاهم کند.

ناراحی و سودهای مندی ولی به نظر می رسد به جـز ایـن بخش از بادداشتما، آن قسمتهایی هم که به بیماری روحی «وولف» مربوط می شـده و بعید به نظر می رسد در روزنگارش به آنها اشاره نکر ده باشد نیز ظاهرا از نسـخه چاپ شـده حذف شدهاند نیز ظاهرا از نسـخه چاپ شـده حذف شدهاند در این صُـورت می تـوان چنین پنداشت که «لئونارد وولـف» ترجیح مـیداده این بیماری همیشُد بُهعنوان یک راز باقعی بماند. هرچند بعدها خواهرزاده ویرجینیا «کوئنتین بل» با نوشتن و چاپ زندگینامه خالیه نامدار خود برده از آن راز فرو انداخت. شــاید اگر «نامه های . ويرجينيا وولَـفُ» از همان ابتـدا بهُطور كامل ه چاپ می رسید، می توانست راهگشای خوب و . پ پ پ ویر قابل اعتمادی درجهت شناخت هرچه بهتر این نویسنده اثر گذار قرن بیستم و آشنایی با افکار و نظریات وی باشد. به خصوص که بیماری روحی «وولف» و گرایشات خارج از قاعده و گاه عجیب ری در ری... و غریبش به برخی مسائل غیرعرفی که او و گروه «بلومزبری» (گروهی که ویرجینیا و خواهرش ونسا و برادرشان آدریان وولف از اعضای اصلی وً پایه ُگذاران آن بودنــُد) را اُز طرفُ جامعه وقت متهم به ضداخــلاق بودن می کرد در نوشــتن آثار بن گی خلق کرد که نه تنها بی تأثیر نبوده ر در رکز کی بر بلکه می توان گفت سهم عمدهای را از آن خود می سازد. در نامه شــنبه ۱۳ دسامبر ۱۹۲۴ وی

پ کی ۔ رر ۔۔۔۔ به کار همسرش (یعنی نوشتن) مربوط میشدہ است. چگونگی شـروع جرقه یک رمان و نطفه بستن أن در ذهنش و كمى بعدتر روى كاغذ أوردن أن و دوباره خوانسي و بازنويسسي و باز هم درون او رودررو مُیبیند. تصویری بدیع و تازه از «وولف»، «وولف»ی که پیچیده مینویسد و

دوبارهخوانی و بازنویسی دیگر، تا آنجا که راوی خود در اغلب موارد معترف و حتی گلهمنداست که زیربار سنگین نوشـــتار کمر خم کرده و دایم درحال فرسایش اُست. وولف در عین حال از دغدغههای مداومش برای چاپ و نشسر کتاب و درانتها انتظار بازخورد کتاب در جامعه نوشته است.این که فلان شخص به آن چطور نگاه خواهد کرد و فسلان منتقد چه خواهد نوشت و کسدس و گمان بر سر این که مُسلا برخورد ضمیمه ادبی «تایمز» با آخرین کتابش چگونه خواهد بسود. دغدغه هایی که می تواند خاص هر نویسنده ای که نوشتن را به سان تعهد می نگرد باشد، ولی درباره و پر جینیا وولف باید گفت تا سر حد وسواس و جنون پیش می رود. به طوری که می توان اعصاب کش آمده نویسنده را در گیر می بوان اعصاب دش امده دویستنده را در دیر و دارهای مربوط به تک تک آشارش و بازخورد آنها در جامعه ادبی و کتابخوان و حتی جز آن دید. و ولف برخلاف آنچه تصور می شسود، برای مردم می نوشست (و حتی معتقد بود که ادبیات اشراقی محکوم به فنا است)، روایت می کرد و با اشراقی محکوم به فنا است)، روایت می کرد و با آن همنوامی شد. گاهی اوقات حُساسیت ووُلفُ تا آنجا پیش می رود که خواننده خود را با کودک





خلیل ملکی

## شاعري كه نامههايش درس شاعرانگي مي دهد احمد کریمیحکاک

نیما پوشیج اصول عقیده خود را «نزدیک کردن

«۱ – شعر ما در صورت موزون و در باطن مثل نثر تمام باشد. ۲-نثر ما آینهای

. طبیعت و پـر از خیال شاعرانه [باشـد]. این صــول، اغوانمی کنند که نثر حتماً شاعرانه باشـدُ، بلكـه نشُر . ســاده و بیآلایــش هــم وجــود خواهــد

داشت.»(نامههای نیما.ص۲۸) وی اولین خصایت لازم برای شیاعران را «ایتکار» مىداند و شاعران جوان رااز تقليد برحذر مىداردو -عتقداست که سعدی دوم، حافظ دوم شدن ارزشی ندارد.(نامههاینیما.ص ۸۶۱) المائي نيايي

او درباره عاقبت و سرانجام مقلدان می گویَــد: «پیــروان عُنصــری چه ی رہی میکنند؟ بعداز آن که خانه پدرشان خراب شد، مثل گداها بیخانه و رگردان مانسده، مثل فسلان دزد از اطراف دردی می کننسدیسا مثل رهای ناخلف از آخرین تکههای ئاثيه پدر مىفروشىند يابا كلوخه

آجرهامیخواهند آجرهای نو بسازند.» (نامههای نیماً. ص ۸۶۱) نیما شعر خوب را مثل طفل زنده بالفعل می داند که «با فکر ملت رشد می کند. اگرچه

در زمان تولد خود مردود واقع شده باشد.»(نامههای ما.ص ۵۷۱)

او درمورد نحوه نوشــتن و ســرودن شعر می گوید: «لولُ فُكرُى كه بــه مغز من در موقع طرح فلان قطعه یا شعر پیدا می شود، تعیین احتیاج است. برای چه مىنويسم؟ أيا فلان عادت واخلاق باحرف من اصلاح میشود؟ برای که مینویسم؟ آیا ممکن نیست بهتر

از ایسن یعنسی نافذتر نوشــت؟»(نامههای ر نیما.ص۱۹۳) درواقسع از لابهلای نامەھای نیما می توان نسکات جالبتوجهی نسکات جالبتوجهی برای راهنمایی شاعران بیدا کرد، نکاتی مانن «بـرای سـاختن یک

تابلواول جهات مادی آن را جستوجو کن، زیرا کمال اشیابدون صورت در نقش اثر می کنند. پس موثر واقعی صورت است. من مدت ها از عقب سر به یک گدانگاه می کنم، یافلان کوره مشتعل آهنگر را تماشامی کنم

براىُ اين كــه فورا از أُنهُــا وصف كنه بلکه هر نگاه می تواند جزیسی از نکات را . به من اهدا كند بالمجموع اين نكات یک وقت می توانند به من کمک کنند تا این که در موقع نوشتن آنچه مینویسم، تکرار مشاهدات دیگران به نظر نیاید. در این صورت شاعر اول باید مطالعه داشته ــدُوُ پس از آنُ بُا قَــدرت ذهنی خود أن مطالعات را تجزيــه و توصيف كند»

(نامەھاىنىمان 68) . عبار اتی کنه از نامه های نیما آمده، متعلق به کتاب زیر اسبت: نامەھاىنىمانىسخەيردار،شراگىمپوشىچ،تهران،نگاە،۱۳۶۷

افتادهام مزرعهاي راكه از پدرم به من رسيده است



زیاد برای نامُهنگاری را باید در روحیه گوشــه گیر و عدم علاقه او به معاشر تبادیگران جست وجو

نیما علاقــه خاصی به طبیعت، روســتا، جنگل، . خانه، شــکار و حیوانــات داشــته و این روحیه

ـــوی دیگر نمی توانســـته از س ـــُتُ بردارُد. در جایی خود به سبکشعرقدیموطرز تفکرقدیمی.» نیما همواره به فقر و نیداری گرفتار

سُرْمایّه، گله می کُندُودر جایی دیگر تمام داراییاش مَى كنــدو مَى گويد: ُ«نــهُ كار دارم، نه پولُ. به خيال







دیگر معتقد بود که . الوشتههایمابهماتسلیمیدهند.» متناقضی است که وی از سرویی تجدد گرا بوده و از

كوهستان وروستا وخلاصه نشانههاى ین حقیقت معترف است: «من به یں ۔. همهچیزهای قدیم علاقــه دارم، مگر ِده است، بِهُطُورِي كُه درِسالَ ۱۳۰ٌ۳





شاید, از علاقه نیما به مطالعه نامه و صرف وقت

نجات میداد. از سوی

ز چاپنشدن آثارش،به سبب نداشتن

را «یــک کوله شــعرها و رمانهای» خــود معرفی

## نگاهی کو تاه به نامه های نیما نوشته هاي ما به ما تسلى مي دهند





ۇفت.»

در جایی دیگر می نویستد: «عالیه بیسش از من بی قیداست، ولی بی قیدی زیاد به خود بستن هم یک نوع تقلیداست. اگرچه قسمتی از رفتار او ساده و طبیعی و نزدیک به عقاید خودمان ست، باز هم زندگانی مین و او یک مبارزهی مرموز است. نمی دانم چه تیجــهای از این بیقیــدی خواهیم شكىنىست كەنگاەنىمابەخانوادە، ندگے و پیرامونے را بہتے از ہر شعرش می توان در نامه هایش یافت. شايدبه خاطر همين است كه پسرش شراگیم،بهتازگیمجموعهایازیادداشتهایپدررا گردآوری و تنظیم و توسط «نشر مروارید» منتشر

